

در گذشته شرح حال چندین اردانشینان غربی که جاذبه اسلام آنان را بسوی خود کشیده ذکر شد و از آنکیز اسلام آوردن و فهم و هدایت اسلامی ایشان آنگاه شدیم اکنون با شخصیت معروف دیگری که نور اسلام بطن او تابید است و راز سلیمان شد و گسترش آیین جاودا اسلام را بیان میکند آشنا خواهیم شد.

« نیو پولد فایس این دانشمند عفت گرایش خود را با اسلام چنین توضیح میدهد: باید احترام کنم که تعالیم خاص اسلامی، همچنانکه هر متفکر بی غرض را مفتون خود می سازد، سرا نیز به سخنی معجذب خود ساخت. کشش و جاذبه اسلام در تمام زوایا و اجزای بهم پیوسته قوانین و معارف آن وجود دارد و نمیتوانم بگویم از کدام ناحیه بیش از نواحی دیگر بد اثره فراخای این آئین کشاننده شده ام. زیرا به عقیده من، اسلام همانند ساختمانی است که از نظر فنی همه اجزا و قسمت های آن کاملاً موزون و هر کدام مکمل یکدیگر است.

توانستیم از جهات مختلفی (از نقطه نظر دینی و اجتماعی) اسلام را که اکنون سیادت و رهبری کشورهای اسلامی را به عهده گرفته است بررسی کرده و در این زمینه در سه بابها بیاموزم در نتیجهی آن در سه و بر سر سینه این عقیده بطور قوی در من رسوخ پیدا کرد که اسلام از نظر روحی و اجتماعی همواره عظیم ترین نیروی محرک است که بشر تاکنون با آن آشنا شده است و این آئین میتواند اراده و همت انسانها را در راه خیر و خوشبختی جوامع بشری بحرکت درآورد.

اسلام دارای فرهنگی وسیع و مستقل است و نظام اجتماعی در این آئین روشن و خردمندانه می باشد. هیچ انسانی در اسلام مجبور نیست دیار اترک گفته تنها به مسائل اخروی بپردازد. همچنین هیچ انسانی در آئین اسلام مجاز نیست خود را به انواع گناهان و انحرفات آلوده کند و سبب برای توبه و تطهیر خود بوسیله محافل و معابد نگاه بخشنه پناه ببرد. اسلام (بر خلاف چند اریخی که کوه فکران یک عقیده صوفی مناشئه یا یک مملکت تنها فلسفی نیست. اسلام آئینی است برای زندگی

کامل خیر خواه

نخستین لحظه ای که جاذبه اسلام را یافتم

و خداوند این شریعت را بر طبق قوانین طبیعت که همه موجودات را بر این سنت آفریده بر پیامبر (ص) خود فرو فرستاده است. گمان می کنم رمز اینکه اسلام نماز را (که بخش عمده و ستایش برای خدا است) تشریح کرده باید در پیروی از همان سنت الهی جستجو کرد زیرا همه مخلوقات با زبان تکوین ستایشگر آفریدگار خود هستند و از حرکت هر سیرتبعین شده در برابر عظمت او خضوع میکنند. برخی از انتقاد کنندگان معروض نماز یا سایر اعمالیکه مسلمانان در انجام آن موظف هستند، دلیل این میدانند که این دین نیز مانند دیگر ادیان که تنها یک سلسله از امور روحی و معنوی توجه دارد می باشد.

آنان در این طرز تفکر و تفکیک میان امور مادی و معنوی اسلام، درست مانند ماشین روشن کنشی که چربی را از شیر جدا می سازد می خواهند امور مادی و روحی را در اسلام جدا

گانه بررسی کنند، غافل از اینکه شیواة اسلام از قوانین مادی و امور معنوی ترکیب و تحکیم یافته است (و چنانکه میدانیم اسلام به زندگی بشر تنها از یک زاویه نگاه نکرده است بلکه تمام جنبه های زندگی انسانی را اعم از مادی و

بهره گیری تمایلات مشروع نفسانی بر خوردار گردند .

اسلام برای انسان بر خلاف تعلیمات

مسیحیت که او را ذاتاً خطاکار و آلوده میدانند طبیعتی پاک و فطرتی اصیل قائل است . انسان از نظر اسلام میتواند کمالات بدست آورده خود را نگهداری و تکمیل کرده یا آنچه که از دستش بهدر رفته باز یابد . با این بیان ، روشن میگردد که آئین اسلام شرور و بدیها را با ذات انسان آمیخته و ممزوج نمیداند . بدیها و آلودگیها ، ره آوردهای دوران زندگی او بحساب می آیند مادر مباحث ادیان شناسی تنها آئین آسمانی

اسلام را می بینیم که با انسان اجازه داده تا از مواهب طبیعی و لذات زندگی بهره مند گردد ، بدون آنکه حتی یک لحظه پاکیزگی روحی خود را از دست بدهد . اسلام هیچ گناه ذاتی و موروثی برای نوع انسانی نمی شناسد ، تا بدینجهت به آموزش کلی و عمومی برای همه انسانها نیازمند باشد . اسلام هر انسانی را در گرو اعمال خود میداند . پس در واقع این انسان است که

میتواند علل و اسباب آرامش روح و رستگاری خود را فراهم آورده چنانکه می تواند موجب اضطراب روانی و سه روزی خویش باشد .

آئین اسلام ، به زندگی دنیا با دیده احترام مینگرد ، لکن برای این زندگی ایدیت قائل نیست از نظر این آئین هیچ انسانی حق ندارد

معنوی و فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده در همه قسمتها قوانین متفن و استواری وضع کرده است .

در مورد طواف در اطراف خانه خدا نیز میگویند که: راستی این عمل متضمن چه فایده ای است ؟ لیکن با کسی تأمل بخوبی می توان حدس زد که حرکت در اطراف این خانه دلیل بر مرکزیت آن است و اینکه اسلام کعبه را «قبله» مسلمانان قرار داده تا همگی در حال نماز بسوی آن رو آورند ، نمایشگر وحدت اسلامی و یگانگی پرستی مسلمانان است . و اصولاً سعی و طواف رمز کوشش و تلاش برای زندگی انسانی است .

در میان همه نظامهای دینی ، اسلام تنها آئین است که نبل به کمالات فردی با اجتماعی را یکسره در گسروه کشتن تمامی تمایلات و خواهشها نمیداند . آئین آسمانی اسلام بسا تلفیق امور مادی و معنوی و تعدیل غرائز گوناگون راه رسیدن بکمال انسانی را برای پیروان خود هموار می سازد .

از این رو می بینیم اسلام هیچگونه الزامی برای مسلمانان در ترک تمایلات مشروع بوجود نمی آورد و در نتیجه بهم آمیختن امور مادی و معنوی ، زبر بنای رستگاری سعادت مندانه آنانرا پی ریزی میکند و این امکان را برای آنان بوجود آورده که با پرورش صفات عالی انسانی ، از

نسبت به حیات خود بی اعتنا بوده آخرت کوکج بشمارد ، زیرا حیات انسانی در اسلام دارای ارجحی بس عظیم است .

اسلام ضمن اینکه دامنه حیات انسان را تا آنسوی جهان گسترده میداند ، بشر را به کيفر و پاداش کارهای بدو نیکش متوجه ساخته از این رهگذر درک دقیقی در پیروان خود بوجود می آورد که دیگران بکلی از آن محرومند .

سپس این دانشمند عالم مقام در بیان نخستین لحظه ای که جذب معنوی اسلام او را به سوی خود کشاند چنین میگوید :

در یکی از روزهای جمعه با میزبان خود برای دیدن مظهر نماز جماعت به مسجد رفتیم در آنجا ایستیم و طولانی نماز جماعت ، صدها نماز گزشت سر امام به انجام فریضه آسمانی مشغول بودند و چون امام به رکوع می رفت همگی متابعت میکردند و هنگامیکه او وارد سجده می شد تمام نماز گزاران به سجده می رفتند و پیشانی خود را به عنوان تعظیم به

ساحت قدس پروردگار بخواه مینهادند . سپس سر از سجده برداشته بسا هماهنگی مخصوصی دوباره وارد سجده میشدند . به اچه روحانی داشت و چقدر مرآت تحت تأثیر قرار داده بود ؟ نماز و پرستش در اسلام معنی ترک دنیا و رهبانیت نیست اسلام علاقه بزندگی را از راه توجه دادن مخلوق به آفریدگار هستی در آنان زنده و تقویت میکند و بایداد خدا حیات پاکیزه به پیروان خود می بخشد .

صفوف فشرده و پر جمعیت مسلمانان در حال نماز ، روشنگر وحدت و همبستگی آنها است و عامل نیرومندی است که میتواند روح نفاق و اختلاف طبقاتی را که جهان امروز شدیداً دچار آن شده است نابود سازد . ای کاش میتوانستیم آن حیرت توأم با کشش مخصوص روحانی که از دیدن این صحنه بمن دست داده بود برای دیگران توصیف کنم (۱)

۱- از «حضارة الاسلام»

خطرات حسد

حسد دامن روح است .

حسد تن را می گذارد .

حسد سر آغاز تبهکاری است .

کسی که پاکدامن است هرگز حسد در قلبش راه پیدا نمی کند .

علی علیه السلام